



سلطان مار

گفتگو با کوروش تهامی، مهسا مهجوری، علی سرخانی، ساریان

□ لطفاً خودتان را معرفی کنید و مختصری از زندگی و فعالیت‌هایتان برایمان بگویید.

■ کوروش تهامی منفرد متولد ۱۳۵۰ هجری قمری از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد در رشته بازیگری - کارگردانی تئاتر فارغ‌التحصیل شوم. از کودکی به شعر و موسیقی علاقه خاصی داشتم و از سال ۱۳۶۷ وارد دنیای موسیقی اصیل شدم. تنبک و دف را در حد شاگردی می‌نوازم و هنگامیکه در خلوت آواز می‌خوانم سه تازکی هم می‌زنم. سال ۱۳۷۲ در نمایش «معرکه در معرکه» کار آقای سیاوش تهمورث اولین همکاری من با یک گروه واقعی تئاتری بود. اولین تجربه بازیگری را در فیلم ۱۶ میلیمتری «آب نیاتهای چوبی» به کارگردانی خانم شبنم طلوعی بدست آوردم. از آن به بعد هر سال یک یا دو کار تئاتری داشته‌ام که عبارتند از: «جمعه دم غروب» کار خانم یثربی - «فردا» کار خودم و همسر خانم طلوعی که به لطف خدا بخاطر این نمایش رتبه دوم بازیگری مرد را در جشنواره چهاردهم تئاتر فجر بدست آوردم - «همزاد» کار امیر دژاکام - «مژاد» کار خانم صبری - «پیژن و منیژه» کار خانم پری صابری که در تابستان گذشته به مدت ۵۰ شب در کاخ سعدآباد اجرا شد و من در این نمایش در نقش «پیژن» بازی کردم. ضمناً سال ۱۳۷۵ در فیلم سینمایی «سینما سینماست» به کارگردانی آقای ضیاءالدین دری هم بازی داشتم. در حال حاضر هم در خدمت خانم گلاب آدینه نمایش «سلطان مار» اثر استاد بهرام بیضایی را به کمک دوستان آماده اجرا می‌کنیم.

□ از نمایش «سلطان مار» و نقشی که ایفا می‌کنید برایمان بگویید؟

■ نمایش «سلطان مار» به نظر من یک نمایش کمندی - انتقادیست. و نوعی تقلید و سیاه‌بازی محسوب می‌شود. منتها سیاه‌بازی یک آقای بیضایی آن را نوشته‌اند. در این نمایش به نوعی پیروزی مظلوم بر ظالم مطرح می‌شود. و ما متوجه می‌شویم که حقیقت هرگز پنهان نمی‌ماند و عشق در زندگی می‌تواند عامل رسیدن به خیلی اهداف متعالی و موفقیتها شود. من در این نمایش نقش سلطان مار را بازی می‌کنم. این نقش بسیار پیچیده است و فراز و فرودهای بسیار دارد و به هر حال به کمک کارگردان اندک‌اندک با خصوصیات آن آشنا شده‌ام و دلم می‌خواهد بتوانم آنطور که در خور این نقش است آن را بازی کنم.

□ کار کردن با خانم آدینه چگونه است؟

■ کار کردن با خانم آدینه به نظر من برای تمام جوانان لازم است. به هر حال ایشان بسیار توانا هستند و از رمز و راز بازیگری تا اندازه زیادی آگاهی دارند و از هیچ چیز به راحتی نمی‌گذرند و بد نیست بگویم؛ ایشان اگر بخواهند می‌توانند به تنهایی جای همه افراد گروه بازی کنند که خوب این موضوع قابل توجه است. خانم آدینه بازیگر و بدنش را خوب می‌شناسد و بازیگر را و می‌دارد تا آنچه را در درون دارد عرضه کند. حتی چیزهایی که خودش نمی‌داند. با وجود خلق خوش و برخورد‌های صمیمی ایشان جلسات نرمش و تمرینهای ما با برنامه‌ریزی خاصی اجرا می‌شود و هر کس می‌داند که در چه زمان باید چه بکند و چه نکند.

□ حرفه‌ای از نظر شما یعنی چه؟

■ معنای متداول حرفه‌ای در هنر بازیگری متأسفانه شامل حال کسی است که شانس مطرح شدن یافته و بصورت مدام در چنگها، سریالها، فیلمها و بندرت تئاتر، بدون در نظر گرفتن دانش کافی و لازم شرکت می‌کند. و به تبع این قضایا به پول و شهرت می‌رسد. اما به نظر من تعریف حقیقی «حرفه‌ای» این است: داشتن دانش لازم بعلاوه تکنیک، خلاقیت، تجربه، پویایی، محترم شمردن دیگران، صبر، دقت و فروتنی.

□ با آمدن آقای مهاجرانی بعنوان وزیر ارشاد...

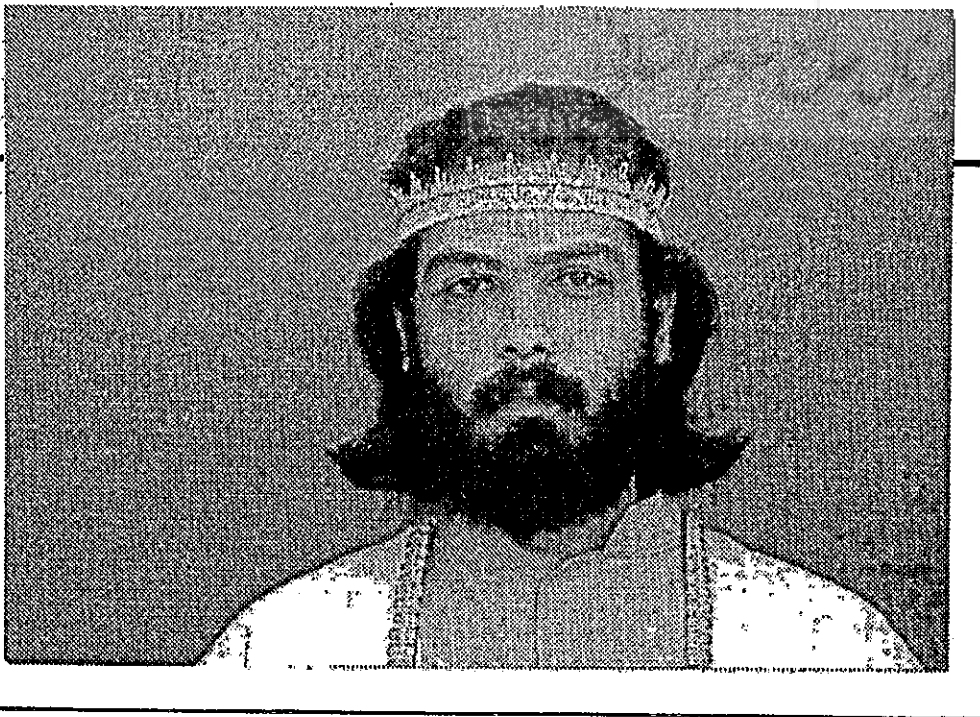
■ با توجه به تعاریفی که از ایشان شنیده‌ام و اهمیتی که ایشان برای هنر قائل هستند امیدوارم پیش از گذشته به مقوله تئاتر و سینما اهمیت داده شود. البته به این دلیل که تا بحال فعالیت من بیشتر در زمینه تئاتر بوده است با مشکلات نمایش در ایران بیشتر آشنایی دارم تا سینما. و می‌دانم در تئاتر عدم برنامه‌ریزی صحیح قبل و بعد از شروع اکثر کارها باعث نارضایتی اعضای گروه می‌شود. و

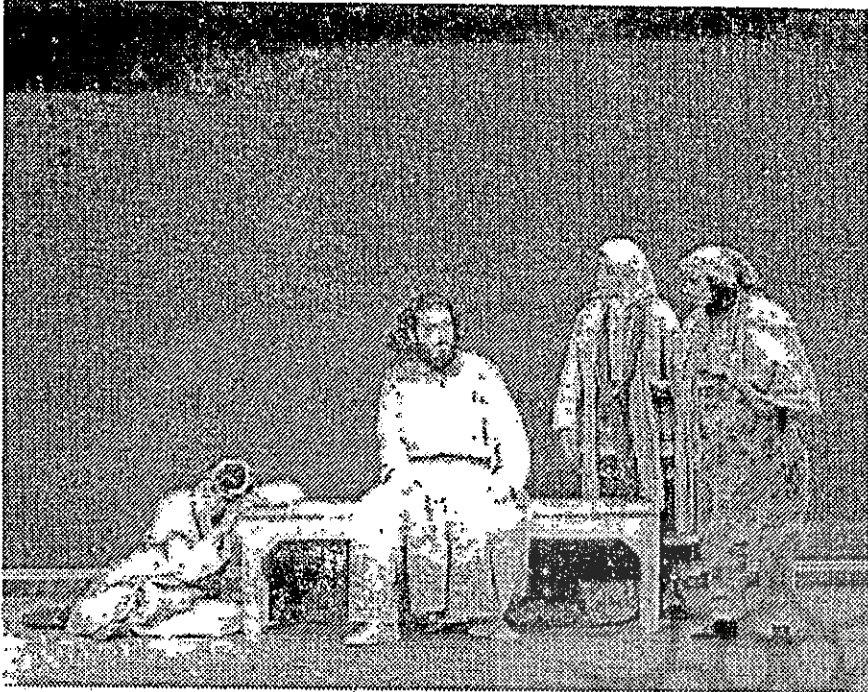
مشکل بعدی دستمزدها و عدم تمهید خیلی از کارگردانها نسبت به بازیگران و رعایت حقوق آنهاست. به نظر من باید یک مرجعی باشد تا آنها که حششان در تئاتر پایمال می‌شود به آنجا داد برند. البته به شرطی که رسیدگی شود. یکی از چیزهاییکه باید به آن اشاره کنم وضعیت سالنها و امکانات موجود تئاتریست که بسیار ضعیف، متدلس و غیرقابل استفاده است. چرا که یکی دو سالن مطرح فعلی ما سالها پیش ساخته شده‌اند و اطاقهای گرم، تعویض لباس و خصوصاً سرویسها از نظر استاندارد داخلی و خارجی به هیچ وجه قابل استفاده نیستند. و فکر می‌کنم تا یکی دو سال دیگر اگر به آنها توجهی نشود، بطور کلی فرو خواهند ریخت و خیال همه راحت خواهد شد. از مسئولین جدید تقاضا می‌کنم در جهت رسیدگی به این مشکلات و ساخت سالنهای جدید در قسمتهای مختلف شهر اقدام کنند که تئاتر جوان ما بسیار محتاج این رسیدگی می‌باشد و جوانان مستعد ما تشنه دست یافتن به سالنهای اجرای تئاتر با معیارهای استاندارد جهانی هستند.

□ لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

■ مهسا مهجوری هستم با ۲۲ سال سن و یک زندگی ساده. دانشجوی سال آخر رشته پژوهشگری اجتماعی و یک طلبه تئاتر عضو گروه مروراید. بنیر از تئاتر چند اجرای تلویزیونی داشته‌ام یعنی مجری راز سیب و مجموعه فرزندان ایران و آخری اجرای صحنه‌ای من نمایش دخترک شب طولانی با کارگردانی خانم سیما تیرانداز بود که وقتی استقبال تماشاچیان و تشویق آنرا دیدم امیدوار شدم که مردم دوباره با تئاتر آشتی کرده‌اند و به مظلومیت تئاتر دلسوزی می‌کنند و در حال حاضر هم سخت مشغول و سرگرم تمرین سلطان مار هستم به کارگردانی خانم گلاب آدینه.

سلطان مار یک نمایش همیشگی است یعنی به دوره خاص یا مردم خاص تعلق ندارد. می‌توان همیشه و همه جا آنرا اجرا کرد و این از قدرت قلم آقای بهرام بیضایی است. اگر جسارتی به خواجه شیراز نباشد این نمایش مثل غزلهای آن بزرگوار است که هر موقع و هر جا معنی و تفسیر خودش را دارد و خوشحالم که در این نمایش نقش زنی را بازی می‌کنم با نام خانم نگار که مانند تمام زنهای دنیا برای حفظ آنچه که بدست آورده و دوستش دارد





گفتگو با محمد ساربان

اشاره: محمد ساربان فارغ‌التحصیل سال ۵۴ از دانشکده هنرهای زیبا «هنرهای نمایشی» است. بازی در صحنه را از سال ۴۶ در شهر قزوین شروع کرده و در سال ۵۱ تا ۵۷ با گروه‌های تئاتری مختلفی فعالیت کرده است. گروه تئاتر آزاد نمایشنامه سفر محمود دولت‌آبادی (در حضور باد بهرام بیضایی) «روسی بزرگوار» و «سربازها» هرگز هدایت ادیب شه‌ریار کار مهدی هاشمی دایره گچی تفتازی کار داریوش فرهنگ به مدت ۹ سال به عنوان کارشناس تئاتر شهرستانهای یزد، رشت، قزوین فعالیت مستمر داشته است.

محمد ساربان در مورد نقش خود در سلطان مار می‌گوید: مثل تمامی کارهای بیضایی سرشار از نماد، طنز و کنایه و انتقاد است نسبت به روابط موجود در میان آدمها و در سیاستمداران و حکومت. اما کار کردن با خانم آدینه تجربه تازه‌ای است و برای من که مدتی از کار دور بودم یک شروع مجدد است. با بهره‌گیری از نظرات ایشان و شور و شوقی که بازیگران جوان این گروه در من ایجاد می‌کنند. موقعیتی است منمتم فقط باید به این نکته اشاره کنم که تئاتر برای خانم آدینه آن چنان جدی است که آن را مقدم بر تمام موارد زندگی خویش می‌داند امیدوارم پس از پایان اجرا اندوخته‌ای هنری ذخیره کرده باشم.

□ حرفه‌ای را بر ایمان تعریف کنید؟

■ حرفه‌ای بودن در هر کاری یعنی پیدا کردن تخصص در آن کار که بعدها بتوانی با بکارگیری آن دانش و تجربه‌ها، موقعیتی خاص در خور آن کار و در اینجا هنر داشته باشی تا بتوانی مدعی باشی و هم بتوانی سرپا بمانی و تا پایان عمر دغدغه‌های روزمره را نداشته باشی و امیدوارم با اوضاع جدیدی شور و هیجانی تازه در کالبد کم جان تئاتر بدمد.

■ محسن فاضلی

گفت و گو با علی سرخانی بازیگر نمایش سلطان مار

در نقش: وقایع نگار و دیو مردنی و ...

اشاره: شاه علی سرخانی متولد ۱۳۴۹ فعالیت هنری خود را از ۱۴ سالگی شروع کرده و با گروه‌های تجربی و دانشجویان تئاتر در چند نمایشنامه همکاری داشته است. یک فیلم بلند سینمایی نیز در کارنامه بازیگری خود دارد به نام «فصل پنجم» به کارگردانی رفیع پیتز.

□ آقای سرخانی در مورد بازی و نقش خود در نمایش سلطان مار بگویید؟

■ به عنوان یک بازیگر در وحله اول بایستی بگویم که متن بسیار قوی و سرشار از ریزه کاریهای هنری و بیان بسیار زیبا و ساده و مطرح کردن مسائلی که در حقیقت به راحتی نمی‌توان بیان داشت در زمینه طنز این مسائل را به راحتی به شکلی کاملاً زیبا و همه فهم تبدیل شده است و نقش من در این نمایش وقایع‌نگار و دیو مردنی و سفر او زارعین به امید یک اجرای قوی و زیبا از این گروه.

□ کار کردن با خانم آدینه که از پیشکسوتان هنر و بازیگری است سعادتی است که نصیب هر کسی نمی‌شود و بایستی قدر این عزیزان را دانست.

□ حرفه‌ای به چه معنی و مفهوم است؟

حرفه‌ای سابقاً تعریف خود را این گونه باز کرده بود که تعداد کارها و میزان شناخت مردم میزان حرفه‌ای بودن افراد به حساب می‌آمد. ولی در کل این تجربیات هنرپیشه است که شرایط مشخص و مختلف باور تماشاگر را برمی‌انگیزد پس تجربه خود بزرگترین سرمایه هنرپیشه است که باید درست استفاده شود. هر کس زمانی برای حرفه‌ای شدن دارد تا چه شود و چه پیش آید.

و تفاوت یک بازیگر حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در این است که حرفه‌ای بر انرژی و قدرت و حس خود تسلط کافی دارد اما غیرحرفه‌ای بیش از اندازه انرژی می‌گذارد که تماشاگر را از باور کردن شخصیت دور می‌کند.

تمام سختیها را بجان می‌خورد و از اینکه با همه مصائب هیچکس نمی‌تواند این عشق را از او بگیرد خوشحال است اگرچه امکان جانپنازی هم در این راه دارد اما بر مبنای آنچه که پیر ما گفته که از دامن زن مرد به معراج می‌رود بخاطر وجود او و تلاشهای اوست که سلطان مار خودش را باور می‌کند و کاری را انجام می‌دهد که قیل از آن حتی از فکر کردن به آن نیز می‌هراسید.

و من با دید خودم با خانم آدینه کار می‌کنم چون ایشان تنها کارگردان این نمایش هستند و قبل از آن که کارگردان باشند برای من یک استاد، یک راهنما، و در یک کلمه یک الگوی نمونه هستند بنابراین من فقط ستاننده هستم و این همه آن چیزی است که در تئاتر بدنبالش می‌گردم.

اما حرفه‌ای شدن آسان است، حرفه‌ای‌ماندن سخت است اگر مبنای حرفه‌ای را مثل بقیه مشاغل به چشم ما دیگری نگاه کنیم من حرفه‌ای بودن را در تئاتر قبول ندارم چون تئاتر همانقدر که از مادیات دور است به عشق نزدیک می‌باشد بنابراین تجربه، سابقه، تعدد کار، علم و هر چیز دیگری که می‌گویند نشان حرفه‌ای‌گری است در بازار عشق تئاتر خریدار ندارد.

و آنچه مسلم است هیچ کس برای ریشه کنی تئاتر و سینما مسئولیتی را قبول نمی‌کند. آقای مهاجرانی هم برای شکوفایی همه هنرها نه فقط تئاتر و سینما آمده‌اند. منم مثل بقیه دعا می‌کنم که حرکت ایشان با برکت خداوندی همراه باشد.